

نامه مسئول هیئت سیاسی - اجرایی شورای
مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
به کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد
در صفحه ۱۲

ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۷۹ - ۳۱ مه ۲۰۰۰ - دوره سوم - شماره ۲۳۳
KAR. No. 233 Wednesday 31. May 2000

به ما هم فرصت بدهید
گفتگو با خانم نادین گوردیمر
برنده جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۹۱
در صفحه ۱۲

نظارات دانشجویی در اعتراض به تقلب انتخاباتی

و بازداشت فعالین سیاسی

دانشجویان در نظارات خود شعار می دادند:

● عالی جناب سرخوش حیاکن، مملکت را رهاکن

● جنتی، جنتی حیاکن، تقلب را رهاکن

از شعارهایی که در نظارات این روز بر زبان دانشجویان و دیگر شرکت کنندگان جاری شد عبارت بودند از:
اکبر شاه، اکبر شاه، مرگ بر شاه!
نوری، کدیور آزاد باید گردند!
علی افشاری آزاد باید گردد!
کیهان، رسالت عامل هر جنایت!
عالی جناب سرخوش حیاکن، مملکت را رهاکن!
یک مملکت یک دولت آن هم برای ملت!
دانشجو، جامعه، اتحاد، اتحاد! یا مرگ یا آزادی
مصدق، مصدق راحت ادامه دارد. فروهر فروهر راحت ادامه دارد.
پس از تجمع انصار حزب الله

در اطراف دانشگاه دانشجویان شعار می دادند:
علی فلاحیان، سرکرده جانین!
جنتی حیاکن، تقلب را رهاکن جنتی، جنتی، تو دشمن ملتی علی لاریجانی اعدام باید گردد، سیمای آمریکایی خاموش باید گردد. انصارهای لعنتی، مزدورهای جنتی
تظاهرات دانشجویان سرانجام مورد حمله انصار حزب الله قرار گرفت و به زد و خورد کشانده شد. خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایسرا) در خبری که از این تظاهرات منتشر کرد نوشت:
«تجمع غیرقانونی در دانشگاه تهران که عصر امروز چهارشنبه برگزار شد با دخالت گروهی که از انسان به عنوان «انصار حزب الله» یاد می شد به خشونت کشیده شد.»

سرانجام هفتم خرداد، روز گشایش مجلس ششم که مردم مشتاقانه در انتظار آن بودند فرارید و سناریوی تملی که تمامیت گرایان علیه مجلس تدارک دیده بودند، شکست خورد. در آستانه هفتم خرداد تسلیم رفسنجانی در برابر فشار مردم، شکست مضاعفی بود که بر جبهه ضد اصلاحات وارد شد. تمامیت گرایان علیرغم تاخیر سه ماهه در اعلام نتایج آرای تهران، تقلب و باطل کردن رای بیش از ۷۰۰ هزار نفر، نتوانستند در مجلس ششم برای هاشمی رفسنجانی «صندلی» بیابند و بدناگزیر به رفتن وی از مجلس و پذیرش شکست تاریخی دیگر در برابر مردم تن دادند.
برای رسیدن به روز هفتم خرداد و گشایش مجلس ششم راه

دشوار و درازی پیموده شد. اصلاح طلبان حکومتی با تاکتیک «حفظ آرامش» به مجلس ششم رسیدند اما در این فاصله جبهه اصلاحات ضربات سنگینی خورد: ۱۷ روزنامه در فاصله یک هفته تعطیل شدند، دهها نویسنده، روزنامه نگار و دانشجو به زندان افتادند، اصلاحیه ارتجاعی قسانون مطبوعات تصویب شد، نهادهای وابسته به رهبری از حوزه تحقیق و تفحص مجلس خارج شدند، مناسبات اصلاح طلبان حکومتی با نیروهای ملی - مذهبی و پایه اجتماعی آن آسیب دید، تمامیت گرایان با جنگ روانی که به راه انداختن فرصت یافتند گستاخانه سیاست ایجاد شکاف در میان اصلاح طلبان و «قلع قم» بخش رادیکال آن را پیش

اکنون نوبت پرداختن به وعده هاست

فعالیت مجلس ششم آغاز شد

بسیارند و در مجلس ششم کاندیداهای نیروهای ملی - مذهبی و روزنامه نگاران را که بیشترین آرا را کسب کرده اند، کنار بگذارند. آیا پذیرش همه این ضربات برای «نجات» مجلس ششم اجتناب ناپذیر بود؟ مجلس ششم ترکیبی است از نمایندگان اصلاح طلبان حکومتی و تمامیت گرایان، کل نمایندگان مجلس ۲۹۰ نفر است که با حضور ۱۹۴ نفر، جلسات آن رسمیت می یابد. از میان ۲۵۰ نفر که اعتبار نمایندگی آنان تاکنون تایید شده، نزدیک به ۲۰۰ نماینده جزو اصلاح طلبان حکومتی هستند. تفکیک این نیروها که با عنوان «جبهه دوم خردادی» وارد مجلس شده اند کار دشواری است اما به طور ادامه در صفحه ۲

دزدی آرای مردم هم در درفسنجانی را درمان نکرد

عاقبت احمد جنتی، دزد آرای مردم هم نتوانست رفسنجانی را به مجلس ششم بفرستد. شورای نگهبان، بی ایرونی بی سابقه ای را برای خود، رهبری جمهوری اسلامی و رفسنجانی به بار آورد، او را از رتبه ۳۰ به رتبه ۲۰ ارتقا داد، اما رئیس جمهور منفور سابق که در میان مردم به نامهایی مانند عالیجناب سرخوش و اکبرشاه ملقب است، زیر فشار افکار عمومی ناکزیر از اعلام انصراف از نمایندگی مجلس ششم شد.

ارتقای اعجاز آمیز رفسنجانی از رتبه ۳۰ به ۲۰ و انصراف او، آن هم ظرف کمتر از یک هفته، بیانگر تشتت و ندانم کاری در صف مخالفان اصلاحات است. معلوم می شود جنتی و رفسنجانی کارهای خود را چندان هماهنگ نکرده اند، وگرنه نیازی به رسوائی بی سابقه دزدی آرای مردم نبود. به نفع جبهه مخالف دوم خرداد بود اگر رفسنجانی پیش از تقلب بزرگ شورای نگهبان، انصراف می داد. رفسنجانی به چه امیدی تا آخرین لحظه از اعلام انصراف خودداری کرد و گذاشت تا جنتی با او مانند مدیر مدرسه ای که برای یک شاگرد تنبیل، پارتی بازی می کند رفتار کند؟ آیا اکبرشاه، طمع داشت که شورای نگهبان، او را نماینده اول تهران کند؟ آیا رفسنجانی در هفته گذشته با مذاکرات خود دریافت که حتی همه نمایندگان حزب کارگزاران نیز به ریاست او در مجلس رأی نمی دهند؟

پاسخ این سئوالها هر چه باشد، رسوائی دزدی آرای مردم و سپس پیروزی بزرگ مردم تهران که از شر یک نماینده دروغین راحت شدند، نشان داد ابعاد ضربه ۲۹ پهن به جبهه دشمن اصلاحات در جمهوری اسلامی، خردکننده تر از آن بوده است که خود سر تعجین گمان می کردند. رأی قاطع مردم به شعار «ایران برای همه ایرانیان»، چون آبی بود که در خوابگاه مورچگان افتاد و ارتجاع را شدیداً به ولوله افکند. ترور حجازیان، بستن روزنامه ها و جنجال بر سر کنفرانس برلین که به زندانی شدن گروهی دیگر از آزادیخواهان انجامید، تنها چند هفته توانست ابتکار عمل را در دست «کمیته بحران» نگه دارد. این کمیته، اگر هم وجود داشت حتی نتوانست به توافق برسد که چگونه می خواهد در آرای تهران دستکاری کند. اصلاح طلبان حکومتی از این واقعه باید این درس را بگیرند که فریب تبلیغات قدرت نمایانند جبهه مخالف دوم خرداد را نخورند. مخالفان اصلاحات، بسیار ضعیف تر از آنند که خود وانمود می کنند. دوم خردادی ها اگر واقعاً می خواهند برنامه ای را که اعلام کرده اند اجرا کنند، نیازی به امتیاز دادن به دشمنان اصلاحات ندارند.

اکنون، نیروهای جبهه دوم خرداد باید بدانند که مردم، به ضعف و تشتت مخالفان اصلاحات، پی برده و سطح انتظارات خود را ارتقا داده اند. دیگر از میان اصلاح طلبان، کسی نمی تواند مردم را با اشاره با عزم راسخ و قدرت بیکران مخالفان اصلاحات، بترساند و آرام کند. قبل از همه، دانشجویان با بی اعتنایی به ممنوعیت اعلام شده توسط وزارت کشور دولت خاتمی، به میدان آمدند تا از آرای مردم پاسداری کنند. اصلاح طلبان حکومتی اینک نباید مردم و دانشجویان را تنها بگذارند، که اگر چنین کنند، مردم در اولین فرصتی که بیابند، راهای دیگری به جز اصلاحات از درون جمهوری اسلامی را خواهند جست.



از حقوق و آزادی همه زندانیان در بند دفاع کنیم

است که علیرغم حفظ همه اهرم هایشان شکست خورده اند و همه عصیت شان نیز از آن است. و این عصیت و خشم را با یورش و دستگیری مبارزین روشنگری در این عرصه می خواهند فرو نشانند. دو تن را که می نوشتند و صدای زنان را به گوش می رسانند دستگیر می کنند، هم دو صدای موثر را خاموش کرده اند و هم شاید که دیگران بناگزیر صدایشان را پائین آوردند. آنها گمان می برند که این چنین آب رفته را به جوی باز می گردانند.

پس از چندین هفته که از سازداشتن مسی گذرد نه وکیل شان می داند به چه اتهامی دستگیر شده اند و نه کسی

مهرانگیز کار و شهنلا لاهیجی پس از بازگشت از کنفرانس برلین دستگیر شدند، به بهانه شرکت در این کنفرانس. ولی کیست ندانند آنچه آنها را به زندان کشاند، مبارزه آنها در میدان ممنوعه ای بود که حقوق زنان نام دارد. در میدانی به وسعت جامعه که خیل عظیمی به حقوق انسانی برابر زنان را طلب می کنند در یک سو ایستاده اند و تمامیت گرایانی که حق حیات را نیز لطفی در حق زنان می دانند در سویی دیگر. اینان غیر از اهرم های نافرمانی های کوچک و روشنگری های بزرگ چیزی ندارند و آنان همه اهرم های وضع و تحمیل قوانین زن ستیز و دیگر اهرم های حکومتی و آنان دیری

نشریه «کار» را از هر طریق ممکن به دست خوانندگان آن در داخل کشور برسانید!

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
انصراف رفسنجانی نشانه شکست تمامیت گرایان و پیروزی مردم است
در صفحه ۲

به مناسبت روز جهانی کودک یونیسف: در جهان تکنولوژیک هیچ عذری برای رنج کشیدن کودکان پذیرفتنی نیست
در صفحه ۵

در این شماره

تحولات اصلاح طلبانه و آزادیخواهانه فرارونده ملی و ولایت مطلقه فقیه بی آینده
مجید عبدالرحیم پور
در صفحه ۷

فلاکت خدای بی شرمی است
فرخ نکندار
در صفحه ۸

نقش عرفی گرائی در اصلاحات سیاسی
خسرو باقر پور
در صفحه ۸

نگاهی سخت و بی مدار از سوی یک اصلاح طلب
ملیحه محمدی
در صفحه ۱۰

مروری فشرده بر وضعیت جنبش کارگری ایران
دانش باقر پور
در صفحه ۱۱

بیانیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت آغاز کار دوره ششم مجلس شورا

خواست مردم از مجلس، تحقق شعار «ایران برای همه ایرانیان» است!

دوره ششم مجلس شورا امروز هفتم خردادماه گشایش می‌یابد. اکثریت مردم ایران با چشم امید به این دوره می‌نگرند و انتظارات زیادی از آن دارند.

در این دوره انتخابات است که صف‌آرایی بارزی بین جناح‌های حکومتی شکل گرفته بود، مردم به کاندیداهای مخالفین اصلاحات «نه» گفتند و اصلاح طلبان حکومتی را راهی مجلس نمودند. انتخابات مجلس پیروزی بزرگی برای اصلاح طلبان و آزادی خواهان کشور و شکست سنگینی برای تمامیت‌گرایان بود. اما این دوره انتخابات هم همانند دوره‌های قبلی بدون کاندیداتوری نیروها و جریان‌های سیاسی اپوزیسیون برگزار شد و عده معدودی از کاندیداهای نیروهای ملی - مذهبی هم که از صافی‌های متعدد گذشته و انتخاب شده بودند، شورای نگهبان یا انتخابات محل را باطل کرده یا آنها را خودسرانه حذف نمود.

بعد از برگزاری انتخابات، بازندگان انتخابات تن به شکست ندادند و در سه ماه اخیر به یورش سنگین و سازمان یافته علیه اصلاح طلبان دست زدند. روزنامه‌ها و نشریات مستقل و مستنق را بستند، عده‌ای از روزنامه نگاران را به گوشه زندان انداختند، عده دیگری را به پای میز محاکمه کشاندند. اما علیرغم تهاجمات و کارشکنی‌ها، بگیر و ببند، ابطال‌ها و حذف‌ها، امروز مجلس شورا کار خود را آغاز می‌کند و با گشایش آن صحنه سیاسی جدیدی در کشور ترسیم می‌گردد. اکنون مجلسی تشکیل می‌شود که در آن اصلاح طلبان حکومتی دست بالا را دارند و در ترکیب اصلاح طلبان حکومتی نیز حزب مشارکت که با شعار «ایران برای همه ایرانیان» وارد صحنه مبارزه انتخاباتی شد، در طیف پیشرو آنها قرار دارد، بیشترین نماینده دارا است.

علاوه در حال حاضر دو قوه اجراییه و مقتنه دست نیروهای اصلاح طلب است و هماهنگی و همسوئی بین آن دو وجود دارد. این امر امکانات جدیدی را برای

تحقق اصلاحات سیاسی در کشور فراهم آورده است. به احتمال زیاد مخالفین اصلاحات، دست از کارشکنی و تخریب بر نخواهند داشت، تلاش خواهند کرد که از طریق نمایندگانشان در کارکرد مجلس شورا اختلال بوجود آورند. از قدرت و اختیارات آن بکاهند و کانون‌های قدرت بیرون از مجلس را تقویت کنند و احتمالات شورای نگهبان بر مصوبات مجلس شورا «مهر» تأیید نخواهد گذاشت و مصوبات به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارائه خواهد شد و بحران ساختاری و بحران و مناسبات بین مجلس و شورا و شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام شکل خواهد گرفت و روند مصوبات مجلس با دشواری‌ها و موانع جدی روبرو خواهد شد و ما در آینده شاهد بروز بحران‌های جدیدی در نظام قانون گذاری کشور خواهیم بود که مسئله تغییر در قانون اساسی را به صحنه سیاسی کشور خواهد آورد.

مجلس خواه ناخواه باید به این موضوع بپردازد و برای بازنگری قانون اساسی راه چاره بیاندیشد. دوره ششم مجلس شورا مسئولیت سنگین و آزمون تاریخی دشواری را در پیش دارد. اکثریت مردم به نمایندگان اصلاح طلب و پیرویه حزب مشارکت اعتماد کردند و به آنها رای دادند. اعتماد مردم سرمایه گرانبز و پشتوانه بارز برای این دوره مجلس است و مردم هم انتظار دارند و می‌خواهند که آنها وعده‌های انتخاباتی را به صورت لایح در آورند و به تصویب مجلس شورا فرصت مناسبی فراهم آمده است. مردم ما آنان را که چنین فرصتی را به هززد، نخواهند بخشید.

برجسته ترین و مهمترین موضوع که در مقابل مجلس اصلاح طلب قرار دارد، قانونی و عملی کردن شعار «ایران برای همه ایرانیان» است. اکثریت مردم ما به این شعار جبهه مشارکت رای دادند. اما اقتدارگرایان و خوشنویسان شیدا با تحقق این شعار مخالفند

و در مقابل آن ایستادند. آنها می‌خواهند که اصلاح طلبان این شعار را کنار بگذارند و بر ارتفاع وضاحت دیوار بین «خودی» و «غیر خودی» بیفزایند. اما خواست مردم آن است که مجلس شورا به فشار نیروهای مخالف اصلاحات سنگینی نکند، شعار «ایران برای همه ایرانیان» را در پیشانی مجلس نقش بندد و دیوار ضخیم و بلندی که جمهوری اسلامی در این بیست سال بین مجلس شورا «خودی» و «غیر خودی» کشیده است، به تدریج با تصویب لایح ضروری فروکوبد.

در این راستا از ابتدا لازمست هیئت رئیسه و رئیس مجلس را از میان کسانی انتخاب کرد که به این شعار پایبند هستند و مصمم اند که پروژه اصلاحات سیاسی در کشور را پی بگیرند. مردم در انتخابات مجلس شورا بیشترین آراء خود را به سود طیف پیشرو جبهه دوم خرداد، در صندوق‌ها ریختند و انتظار دارند که رئیس مجلس از میان آنها گزیده شود و در رأس مجلس اصلاح طلب، چهره شاخص اصلاح طلب بنشینند. هیچ ابزار قانونی که ترکیبی شاخص از اصلاح طلبان را در مقام هیئت رئیسه و رئیس مجلس مانع شود، وجود ندارد. پیرویه این که رفسنجانی بر اثر فشار افکار عمومی از نمایندگی مجلس شورا انصراف داد.

در سرفلحه وظایف مجلس شورا، مسئله اصلاحات سیاسی، مهار بحران اقتصادی و بهسازی زندگی مردم قرار دارد که باید با همکاری دولت و مجلس و تدوین طرح‌ها و لایح به آن‌ها پرداخته شود.

میرم ترین مسئله در پیشبرد اصلاحات سیاسی، مسئله مطبوعات است. لغو مصوبات اخیر مجلس دوره پنجم و اصلاح قانون مطبوعات مصوبه سال ۶۴ به گونه‌ای که انتشار مطبوعات مستقل را تضمین کند، راه دست‌اندازی قوه قضائیه به مطبوعات را ببندد و امکان انتشار مجدد روزنامه‌ها و نشریات توصیف شده را باز کند. مطبوعات مستقل و منتقد ابزار ضروری توسعه سیاسی و ارتقا

آگاهی مردم هستند و می‌توانند پشتوانه قوی برای مجلس اصلاح طلب باشند و خواست‌ها و مطالبات مردم را به گوش مجلسیان برسانند.

مسئله دیگر در تحقق شعار «ایران برای همه ایرانیان» و پیشبرد اصلاحات سیاسی لغو نظارت استصوابی شورای نگهبان با تغییر قانون انتخابات و فراهم آوردن شرایط مساعد برای سرمایه گذاری، کاهش تورم، اتخاذ تدابیر ضروری برای کاهش فقر و بیکاری، تعدیل درآمد‌ها، گسترش تامین اجتماعی و درمان و بهداشت همگانی بردارد.

مجلس اصلاح طلب وظایف و مسئولیت بس بزرگ و سنگینی در مقابل دارد. اگر دوره جدید مجلس نخواهد همان شیوه‌های قبلی کار و مدیریت را پیش برد، از پرداختن و پیشبرد مسائل کلان جامعه ما باز خواهد ماند. از ابتدا لازمست که نمایندگان اصلاح طلب به این موضوع توجه نمایند. از درگیری‌ها و مسائل فرعی اجتناب ورزند، استراتژی معینی را برای پیشبرد پروژه توسعه سیاسی و مسائل اقتصادی بهسازی زندگی مردم تدوین نمایند، به کار کارشناسان بها و ارزش دهند، تشکیل‌ها و گروه‌های اجتماعی ذی‌فیع را در تدوین لایح شرکت دهند، تشکیل کمیسیون‌های تخصصی، اجزاء و مؤلفه‌های مربوط، اصلاحات سیاسی، مسایل اقتصادی را مورد بررسی قرار دهند و طرح‌های جامع و عملی را به مجلس شورا ارائه دهند.

شکل گیری مجلس و دولت اصلاح طلب و همراهی و همگامی آنها، فرصت و امکان بی سابقه‌ای را در تاریخ کشور ما فراهم آورده است، خواست اکثریت مردم و نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب کشور آن است که آن دو از این فرصت و امکان بی سابقه به نحو احسن برای تحقق توسعه سیاسی و بهسازی زندگی مردم بهره گیرند و راه استقرار مردم سالاری را بازکنند.

نیروهای اپوزیسیون حضور فعالانه‌ای داشته باشند، کاندیدای نمایندگی شوند و یا کاندیدا معرفی کنند. علیرغم همه این محدودیت‌ها، مردم ۲۹ بمین با حضور در پای صندوق‌های رای مجلس ششم را از چنگ تمامیت‌گرایان خارج کردند و اصلاح طلبان با پشتیبانی مردم در مجلس اکثریت کرسی‌ها را به دست آوردند. اکنون نوبت اصلاح طلبان حکومتی است که به وعده‌های خود عمل کنند. آنان قوه مجریه و مقننه را در اختیار دارند و دیگر نمی‌توانند از وظایفی که در قبال مردم دارند شانه خالی کنند. اما اقدام وظایف و وعده‌ها اولویت دارند. هر گروه و طیف الویت‌های خود را دارند. شاید اولویت‌های حزب مشارکت با کارگزاران و مجمع روحانیون مبارز یکی نباشد اما حق

مشارکت مردم در حیات سیاسی کشور، خواست یک طیف گروه و نیست یک خواست عمومی و همگانی است، بدون تامین فعالیت آزادانه احزاب و رفع موانع قانونی فعالیت احزاب مخالف نمی‌توان از مشارکت عمومی سخن گفت، آزادی مطبوعات، تضمین آزادی‌های فردی، بهبود معیشت مردم هر یک خواست همگانی و نیاز عمومی هستند. پی گیری قتل‌های زنجیردای، کوتاه کردن دست سپاه و بسیج از دانشگاه‌ها، تغییر قانون انتخابات موضوع‌هایی نیستند که دغدغه خاطر یک طیف و گروه باشند. بدون تردید هر لایحه‌ای که برای تحقق این خواست در مجلس تصویب شود با مقاومت سرخشانه جبهه ضد اصلاحات در درون و بیرون مجلس روبرو خواهد شد و مخالفان بحران تازه‌ای ایجاد خواهند کرد. چنین

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیرامون اعلام نتایج انتخابات تهران

مردم دستپخت شورای نگهبان را

نمی پذیرند!

شورای نگهبان بعد از سه ماه تعلل سرانجام بیش از ۷۰۰ هزار (۳۰ درصد) آرای مردم تهران را باطل کرد. رفسنجانی را با چپش شگفت آور از مرتبه سوم به بیستم رساند، حداد عادل را که جزو لیست جامعه روحانیت مبارز تهران بود و در لیست سی نفره قبلی جای نداشت، به نمایندگی تهران ارتقا داد و علیرضا رجایی کاندیدای جبهه دوم خرداد و نیروهای ملی - مذهبی را از لیست حذف کرد و حتی اعلام نمود که بالاخره این نماینده منتخب مردم در کدام رتبه قرار گرفته است.

شورای نگهبان با این عمل نشان داد که رای و اراده مردم را به بازی گرفته است و منافع جناح خود را بالاتر از مردم و رای آن‌ها می‌داند و بدون هیچ توضیحی کاندیدائی را که بنظر آن‌ها «غیر خودی» است از لیست حذف می‌کند و برای اینکه راه عالیجناب سرخوش را برای قبضه ریاست مجلس شورا باز کند، در مقام بیستم منتخبین مردم می‌نشانند.

مردم در انتخابات مجلس ششم به تمامیت طلبان و ارگان‌ها و نهادهای حامی آن‌ها و به رفسنجانی «نه» بزرگ گفتند. آن‌ها با رای و شرکت آگاهانه شان، نمایندگانی را که اعلام کردند شعار «ایران برای همه ایرانیان» را می‌خواهند تحقق بخشند، راهی مجلس کردند. امروز مردم آنچه را دستپخت شورای نگهبان است نمی‌پذیرند و رفسنجانی و حداد عادل را نماینده خود بحساب نمی‌آورند. این دو نماینده مردم تهران نیستند، بلکه منتخب شورای نگهبان هستند. انتظار مردم این است که نمایندگان اصلاح طلب به آن دو برای هیچ مقام و مسئولیتی در مجلس رای ندهند و اعتبارنامه‌شان را زیر سؤال ببرند و از شورای نگهبان بخواهند که به مردم و به مجلس شورا توضیح دهد که چگونه و با چه شگردی آن دو در لیست منتخبین تهران جا گرفته‌اند.

ما به همراه نیروهای آزادیخواه کشور، به بازی گرفتن رای و اراده مردم و ابطال بخشی از آرای آن‌ها را محکوم می‌کنیم و معتقدیم که این اقدامات نخواهد توانست مردم را از صحنه سیاسی کشور بیرون راند. مردم در صحنه‌اند و مصمم هستند که رای و اراده خود را به کرسی بنشانند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دوم خرداد ۱۳۷۹

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

انصراف رفسنجانی نشانه شکست

تمامیت‌گرایان و پیروزی مردم است

هاشمی رفسنجانی دیروز با انتشار نامه‌ای از نمایندگی مجلس شورا انصراف داد. او وجود «ابهامات و شبهات در نتایج انتخابات تهران» را دلیل انصراف خود نامید. شورای نگهبان که بعد از انتخابات، آرا مردم تهران را به گروگان گرفته بود، سرانجام با جابجایی‌های متعدد نتایج انتخابات را اعلام کرد و رفسنجانی را بصورت جیش‌وار از مقام سوم به مقام بیستم رساند و معلوم نکرد که چگونه و با چه شگردی او را چنین ارتقا مقام داده است.

اقدام نابهنجار شورای نگهبان اعتراض و خشم عمومی را برانگیخت و گوشه‌ای از آن در تظاهرات دانشجویان و شعارهای آن‌ها بازتاب یافت. آن‌ها با بلندکردن پلاکاری که روی آن نوشته شده بود «۲۰ = ۳۱» و با شعارهایی که علیه رفسنجانی فریاد می‌کردند، اعلام نمودند که رفسنجانی نماینده منتخب مردم تهران نیست بلکه منصوب شورای نگهبان است. تنی چند از نمایندگان نیز اظهار کردند که در مجلس اعتبارنامه او را زیر سؤال خواهند برد. با این اعتراض‌ها و اظهار نظر‌ها، نه تنها مقام ریاست مجلس، بلکه نمایندگی او نیز زیر سؤال رفت. ورود به صحنه مبارزه انتخاباتی، شکست سنگین در انتخابات، رای سازی‌ها، حذف یکی از منتخبین و ارتقا مقام توسط شورای نگهبان و سرانجام انصراف از نمایندگی، رفسنجانی را از نفر دوم نظام به یک میت سیاسی تبدیل کرد. مردم با آرا خود او را از اوج قدرت به حضيض ذلت نشاندهند و شکست سنگین دیگری را بر تمامیت طلبان که می‌خواستند حول وی ائتلافی را تشکیل دهند و او را به مقام ریاست مجلس برسانند، تحمیل کردند. شکست رفسنجانی، شکست تمام نیروهای مخالف اصلاحات سیاسی در کشور است.

مردم ایران و نیروهای آزادیخواه و اصلاح طلب کشور! انصراف رفسنجانی از نمایندگی مجلس، پیروزی مردم و نیروهای اصلاح طلب کشور، نشانه شکست و بی‌ثمری تهاجمات مخالفین اصلاحات در ماه‌های اخیر است. تهاجماتی که رفسنجانی در هدایت آن‌ها نقش اول را داشت. باید این پیروزی را پاس داشت و با روحیه قوی تر و با تمرکز قوی بیشتر، فرآیند اصلاحات سیاسی را پیش برد.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۶ خرداد ۱۳۷۹

در سالگرد فتح خرمشهر

سوم خرداد مصادف بود با هفدهمین سالگرد فتح خرمشهر. اهمیت تاریخی این روز نه فقط در این است که با فتح خرمشهر پایان و شکست یک تجاوز نظامی اعلام شد و رسمیت یافت و مردم ما موفق شدند پیروزمندان تجاوز و توطئه‌های نیروهای عراقی را در هم شکستند، بلکه در این واقعت نیز نهفته است که این روز شاخص و نقطه عطفی بود که خصلت جنگ پس از آن را بگونه دیگری رقم زد. از آن پس جنگی دفاعی و عادلانه خصلت تجاوزگرانه به خود گرفت. پس از فتح خرمشهر، تا زمان نوشیدن «جام زهر»، پس‌دیر آتش‌یس، کشور ما صحنه عریه‌های جنگ‌افروزانه و شومی شد که تمام عرصه‌های زندگی اجتماعی مردم ما را به کساح خود کشید و زبان‌های بی‌شماری به بار آورد. فریاد جنگ، جنگ تا پیروزی و فتح

قدس از طریق کربلا سال‌ها طنین‌شوم و مرگ‌آفرینی را بر فضای کشور گستراند. رهبرانی که شرف و عزت را در گرو ادامه جنگ اعلام کردند و از جوانان می‌خواستند تا تنور جنگ را با همه پیکر خود گرم نگه‌دارند سال‌ها مرگ و درد و وحشت و ماتم را بر سراسر ما حاکم کردند. صدها هزار کشته، بیش از یک میلیون معلول و مصدوم، جامعه‌ای زخم‌خورده، سرکوب شده و فقر زده، صدها میلیارد دلار خسارت، اقتصادی ویران و در هم شکسته و گسترش بی‌سابقه شکاف عمیق طبقاتی رده‌آورد رهبران جمهوری اسلامی و شخص آیت‌الله خمینی برای مردم و کشور ما بود. اکنون سال‌ها از آن زمان که مبارزین فعالین سیاسی با به خطر افکندن جان خود شمار «مردم ما صلح می‌خواهند، جنگ را قطع کنید» را در برابر جنگ‌طلبی و

این بار نیز به همت دانشجویان، فضای رعب و ارعابی که به مدت چندین هفته بر کشور حاکم بود شکست و در حالی که محافظه‌کاران از طوفانی که به پا کرده بودند، خسته و از پای افتاده به نظر می‌رسیدند، دانشجویان به عدم تصویب خرداد، حال و هوای کشور را عوض کردند و با برگزاری ده‌ها تجمع و راهپیمایی و اعتراض نشان دادند محافظه‌کاران آن قدر هم توانمند نیستند که هر اعتراضی را به یک آشوب تبدیل کنند. نقطه درخشان ده‌ها گردهمایی دانشجویی در هفته گذشته یکی تظاهرات دوشنبه و دیگری تظاهرات چهارشنبه دانشجویان در دانشگاه تهران بود. در هر دوی این تظاهرات، تقریباً شعارهای واحدی داده شد و شدیدترین اعتراضات علیه تقلب گسترده در انتخابات تهران صورت گرفت. جستی و رفسنجانی با تندترین شعارهایی که شاید تصور آن را هم

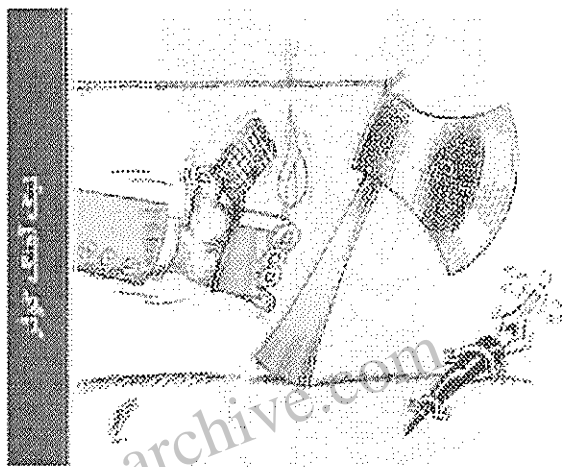
از میان رویدادهای سیاسی هفته

نمی‌کردند از سوی دانشجویان «استقبال» شدند. جنبش دانشجویی این بار هم با «سردار سازندگی» همان کرد که در زمان کاندیداتوریش برای انتخابات مجلس کرده بود. نتیجه این فشارها و تهدیدات دیگری که رفسنجانی را به عدم تصویب اعتبارنامه‌اش تهدید می‌کرد همراه با موضع روشن و قاطع توجه و راهپیمایی و اعتراض نشان دادند محافظه‌کاران آن قدر هم توانمند نیستند که هر اعتراضی را به یک آشوب تبدیل کنند. نقطه درخشان ده‌ها گردهمایی دانشجویی در هفته گذشته یکی تظاهرات دوشنبه و دیگری تظاهرات چهارشنبه دانشجویان در دانشگاه تهران بود. در هر دوی این تظاهرات، تقریباً شعارهای واحدی داده شد و شدیدترین اعتراضات علیه تقلب گسترده در انتخابات تهران صورت گرفت. جستی و رفسنجانی با تندترین شعارهایی که شاید تصور آن را هم

افسوسی. یک ستاد مهم ارتجاع تعطیل شد و جای خود را به یک مرکز اصلاح‌طلبانه داد. تغییری که باید جنبش اصلاح‌طلبانه را گام‌ها به پیش ببرد. به این ترتیب دوران مجلس اصلاح‌طلب در شرایطی شروع شد که محافظه‌کاران بسیاری از برنامه‌های خود را نتوانستند به پایان ببرند. مهم‌ترین آن‌ها پرسونده مربوط به قتل‌های زنجیره‌ای بود که بسیار کوشیدند سر و ته آن را قبل از تشکیل مجلس ششم به هم آورند. اکنون نوبت مجلس ششم است تا با تشکیل «کمیته حقیقت‌یاب ملی» که مبتکر آن فعلا در زندان اوین در شرایط نامناسبی گرفتار است، پرده از راز این پرونده بردارند، فکری به حال مطبوعات در توقیف کنند، گامی در جهت آزادی زندانیان در بند بردارند و... دشوار است بتوان تصور کرد محافظه‌کاران نیرو و روحیه ادامه بحران‌سازی با ابعاد و سرعت فعلی را حفظ کنند. اکنون آن‌ها باید به حفظ «دستاوردهائی» که در این ماه‌های طولانی به دست آورده‌اند فکر کنند و منتظر بمانند که «استراتژی‌شان» چگونه «جواب» خواهد داد. همه کوشش آن‌ها برای این بود تا مجلس ششم که از جنگ محافظه‌کاران بیرون رفته، لاقط زیر نفوذ جریان سنتی و «اصولگرای» اصلاح‌طلبان قرار گیرد، اما ظواهر امر نشان می‌دهد طرف اصلی ماجرا، جنبه مشارکت اسلامی، چندان میلی به چنین کاری ندارد. برای قضاوت قطعی در این مورد باید منتظر ماند.

نیاز مبرم مردم، اصلاح قانون مطبوعات به سود اطلاع‌رسانی آزاد

هر روز که از سی‌ام فروردین ماه سال جاری فاصله می‌گیریم به عمق فاجعه مصوب مجلس شورای اسلامی بیشتر پی می‌بریم، تغییر قانون مطبوعات در این روز که به تلافی شکست محافظه‌کاران در جریان انتخابات مجلس ششم صورت گرفت، اکنون دیگر به چشمانی عریان بدل گشته است که مداوماً بر سر مطبوعات و روزنامه‌نگاران فرود می‌آید. تحمیل این قوانین ارتجاعی از سوی نیروهای اقتدارگرا، موقعیت بسیار زیان‌باری را برای مطبوعات و روشنفکران اهل قلم رقم زده است و شرایط فوق‌العاده حساسی را درون جامعه مطبوعاتی کشور بوجود آورده است، تنها طی ماه گذشته شاهد توقیف شانزده روزنامه و هفته‌نامه در ایران بوده‌ایم. روزنامه‌هایی که حتی عمر آنها به دو روز نینجامید و با سرگ زود هنگام از پستی درآمدند. این رویداد تکان‌دهنده در عرصه مطبوعات، در خور و شایسته مردم، فرهنگ و کشور ما نیست و در طول قدمت ۱۶۴ ساله مطبوعات در ایران، تهاجمی چنین گستاخانه به دستاوردهای فرهنگی و اجتماعی این ملت سابقه نداشته و با توجه به کمیت محدود روزنامه‌ها، تا این حد امنیت نیروی اهل قلم را به مخاطره نینکند است. این درحالی است که امروز در بسیاری از کشورها تنوع گسترده و آزاد روزنامه‌ها روز سیر صعودی می‌یابد، مطابق آمار موجود در برخی از کشورها به طور متوسط برای هر هزار نفر ۲۶۰ روزنامه وجود دارد، اما در ایران این رقم از مرز ۲۹ نسخه نیز تجاوز نکرده است. مطبوعات مستقل که در اطلاع‌رسانی آزاد و ارتقا سطح دانش و آگاهی‌های اجتماعی مردم نقش کلیدی ایفا می‌کنند، در آذهان عمومی از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و دقیقاً از همین روست که نیروی ارتجاعی همواره خشم و کین خویش را علیه روزنامه‌نگاران و نویسندگان پنهان‌ناخته است. این دشمنی تبلور خود را هر روز در اشکال و ابعاد گوناگون بروز می‌دهد و اکنون با عینیت



تا دو ماه نظر خود را همراه مستندات و مدارک معتبر به هیات نظارت اعلام نمایند. همچنین در تبصره ۷ این ماده ذکر گردیده است: مسئولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می‌شود به عهده مدیر مسئول است ولی این مسئولیت نافی مسئولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند، نخواهد بود. در تبصره ۸ ماده فوق قید شده است: اعضا و هواداران گروه‌های ضدانقلاب یا گروه‌های غیرقانونی و محکومین دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضدانقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی حکومت همکاری یافته‌اند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می‌کنند حق هیچگونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در مطبوعات را ندارند. بدین‌گونه قانون جدید مطبوعات در تاریخ ۷۹/۲/۱۵ جهت اجرا به کلیه نهادهای مربوطه در سراسر کشور ابلاغ گردیده است. در تمام حوزه اقیانوسیه و آسیا تنها ۳ کشور وجود دارد که افسراد برای انتشار نشریات می‌باید اقدام به مجوز نشر نمایند. اکنون دیگر این موانع و قوانین غیرعرفی تقریباً در جهان متداول نیست، ضمن آنکه در اروپا صد سال پیش این موانع و رسوم سنتی برافکنده شد و حرمت اهل قلم جایگاه ویژه‌ای یافت، اما متأسفانه در کشور ما وضعیت کماکان به گونه‌ای دیگر است. تحت فشار قرار دادن مطبوعات و نویسندگان از طریق منع آنان در پرداختن به مطالب و مسایلی چون قتل‌های زنجیره‌ای و ترور شخصیت‌های سیاسی،

آواره خیابان‌ها...

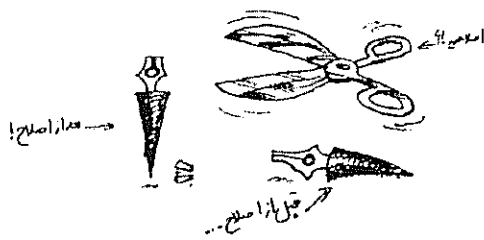
از اول صبح تا نیمه‌های شب

روزنامه بهار، ۲ خرداد

مرد سپه‌چرده جامه ژنده برتن بسی‌درنگ همچون صیادی شادمان از یافتن طعمه چهار کیسه زباله را در آغوش کشید. نگاهی به دور و برش انداخت و وقتی در کنار پیاده‌رو سرکیسه‌ها را گشود لبخند رضایتی زد. تازه صد نفر در ظروف یک بار در مصرف ناهار خورده بودند و پسر جوان خدماتی روزنامه کیسه‌های زباله را بیرون گذاشته بود. از این بهتر نمی‌شد. چهار کیسه و این همه پلاستیک. قدری جلوتر رفتن چنان شادمان و پرشرف بود که وجودم را احساس نکرد. ظروف پلاستیکی را گوشه‌ای جمع می‌کرد و اگر تکه گوشتی در میان زباله‌ها میدید با ولع آن را به دهان می‌سپرد. یاد دوستم افتادم که می‌گفت اگر روزی تدوین واژه‌نامه لغات فارسی را بر عهده‌اش گذارند فقر را چنین تعریف خواهد کرد «چندش اورترین واژه شاید اگر او آن واپسین روز دفاع اردیبهشت می‌دید که چگونه آن مرد برای یافتن نواله‌ای چنین فرش خیابان شده است می‌فهمید که در تعریف آن واژه بیره ترفته است. سلام چی کار میکنی؟ می‌بینی که دارم پلاستیک جمع می‌کنم. پس این برنج‌ها چیه که توی این ظرف می‌ریزی؟ آخرش می‌فهمی. می‌خواهی این‌ها را بخوری؟ بگذار کارمون را بکنیم ببینم چسی درمی‌آد. شما از اروپا اومدید؟ چطور؟ غذاها رو حرام کردید. بابا ما صد نفریم این که شما جمع کردید به اندازه یک نفر هم نیست. راستی فقط پلاستیک جمع می‌کنی؟ دمپایی، لباس، اسباب بازی شکسته هم به تو مرمون بخرد جمه می‌کنیم. اسباب بازی شکسته را می‌خواهی چیکار؟ یک تیکه‌اش رو اینجا پیدا می‌کنم، یک تیکه‌اش رو هم جای دیگه. خانم هم یک لباس برایش می‌دوزه و بعد دونه‌ای صد، دوست می‌فروشم. حالا کجا می‌فروشی؟ برای دروازه غار، سید اسماعیل می‌خواهی بنویسی یا اونجا حسابی بنویس. پلاستیک‌ها رو کیلویی چند می‌فروشی؟ ۸۰ تومان جدی! پس وضعت خوبه ای بابا خیلی زورنگ باشم و زوربزنم روزی ۱۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰ تومان درآمد دارم هزار و پانصد تومان؟ پس چی. ۲۰ کیلو اگر جمع کنم می‌شه اینقدر رفیق شدیم ولی استم را به من نگفتی.

حیطه عمل روزنامه‌نگاران را در تحلیل وقایع و رخدادهای داخلی و خارجی در حوزه اطلاع‌رسانی محدود نموده است و بخشی از آنان را به پذیرش سقف سانسور تسلیم ساخته است. به مخاطره افکندن آزادی نشر و بیان تحت عنوان اصلاح قانون مطبوعات، تهاجم و یورش عریان به دستاوردهای مردمی جنبش دوم خرداد است که در یک نگاه با هدف متوقف ساختن پروژه اصلاحات در کشور از سوی محافظه‌کاران دنبال می‌شود. لغو قوانین استبدادی و ارتجاعی حاضر، شرایط را برای بازآفرینی مجدد ارزش‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آماده می‌سازد، این فضا به جامعه مطبوعاتی ما کمک می‌کند تا از فشار سنگین سانسور و اختناق موجود رهایی یابند و به دور از هرگونه فشاری به خلق اثر و ارزش‌های معنوی خویش بپردازند. آزادی نشر، اندیشه و بیان نیاز اساسی و مبرم جامعه ماست، مردم می‌گویند یکی از اقدامات و وظائف عاجل نمایندگان مجلس ششم لغو و تغییر بنیادین قانون ارتجاعی فوق به سود اطلاع‌رسانی آزاد است.

۳. اصلاح قانون مطبوعات



یونیسف:

در جهان تکنولوژیک هیچ عذری

برای رنج کشیدن کودکان پذیرفتنی نیست

روز اول ژوئن روز جهانی کودک است. عدم رعایت حقوق کودک هنوز از معضلات حل نشده جهانی است. مرگ و میر کودکان در کشورهای توسعه نیافته، سوء تغذیه، محرومیت از بهداشت و آموزش، اعمال خشونت جسمی و روانی بر آنها و سوءاستفاده جنسی از کودکان هنوز از ننگ جوامع انسانی هستند.

یونیسف در گزارش خود می‌نویسد: «در جهانی که تکنولوژی تا حد بالایی تکامل یافته و سرمایه جهانی ۳ برابر شده، هیچ عذری برای رنج کشیدن کودکان و عدم استفاده آنها از امکانات و حقوقشان پذیرفته نیست». ولی در عین حال آمار می‌گویند که در سال ۱۲/۵ میلیون کودک زیر پنج سال در کشورهای در حال توسعه از بین می‌روند. ۱۴۰ میلیون کودک ۶ تا ۱۱ ساله در کشورهای در حال توسعه از امکان تحصیل و آموزش محرومند. سالانه از ۳۰۰ هزار کودک در جنگ‌ها استفاده می‌شود. کودکان جزو قربانیان جنگ‌ها و آوارگی ناشی از آن هستند.

در کشور ما شرایط نابسامان اقتصادی بیش از همه تأثیرات مخرب خود را بر زندگی کودکان و روح و روان آنها می‌گذارد. هزاران کودک هر ساله به اجبار ترک تحصیل کرده و بسیاری از آنها به کارهای طاقت‌فرسا کشیده می‌شوند. بر اثر قوانین نابهنجار خانواده، کودکان در جدائی پدر و مادر عملاً گروگان فرد قوی‌تر از نظر قانونی قرار گرفته و هیچ قانونی از عواطف او دفاع نمی‌کند.

در قانون مدنی آمده است: «طفل باید مطیع ابویں خود بوده...» و آمده است که «ابویں حق تنبیه طفل خود را دارند...» و نقطه اوج بی‌حقوقی و برخورد ضدانسانی در قانون مجازات اسلامی است که برای پدری که طفل خود را به قتل برساند مجازاتی در نظر گرفته نشده است.

قوانین ایران عملاً کودک را جزء مایملک والدین (در حقیقت پدر) دانسته است. در نگرش عمومی نیز متأسفانه این روحیه بازتاب دارد. برخوردار کردن کودکان از حقوق خویش را عملاً جزء الطافی می‌دانند که در حق او روا می‌شود.

برای مبارزه با این بی‌حقوقی‌ها و این نگرش‌ها، تشکلهای دموکراتیکی که حرکت خود را در این راستا انتخاب کرده‌اند، بخشاً بسیار تأثیرگذار می‌باشند، در صورتی که آزادی خود این تشکلهای اصولاً تضمین داشته باشد.



با انجمن حمایت از کودکان آشنا شویم

تلاش در راه پیشگیری و کاهش بدرفتاری، آزار، سوءاستفاده، بی‌توجهی، تبعیض و هر نوع رفتاری که به سلامت جسمی و روانی کودکان آسیب می‌رساند. انجمن دارای پنج دبیرخانه به شرح زیر است:

- ۱- دبیرخانه ارتباطات و مالی که دارای کمیته‌های زیر است:
 - کمیته ارتباطات (با سازمان‌ها، رسانه‌ها و...)
 - کمیته مالی (برای رسیدگی و برنامه‌ریزی امور مالی انجمن)
 - کمیته برگزاری برنامه‌های هنری - فرهنگی و بازار
- ۲- دبیرخانه آموزشی:
 - کمیته انتشارات
 - کمیته نوجوانان
 - کمیته خبرنگار
- ۳- دبیرخانه پژوهشی که کمیته‌های زیر را شامل می‌شود:
 - کمیته پژوهشی
 - کمیته دختر بچه‌ها
- ۴- دبیرخانه حقوقی که شامل کمیته‌های زیر است:
 - کمیته معاضدت‌های حقوقی
 - کمیته مددکاری
 - فعالیت‌های انجمن، زمینه‌های زیر را شامل می‌شود:
 - الف - فعالیت‌های آموزشی
 - ب - فعالیت‌های پژوهشی
 - ج - فعالیت‌های فرهنگی
 - د - فعالیت‌های حقوقی
 - ه - فعالیت‌های مالی

انجمن حمایت از حقوق کودکان به عنوان سازمانی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی از سال ۱۳۷۳ فعالیت خود را آغاز کرد. هدف اصلی انجمن، شناسایی و هموار ساختن راه‌های رسیدن به حداقل زندگی مناسب برای کودکان در ایران، در زمینه رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی است.

پیمان حقوق کودک که در سال ۱۹۸۹ میلادی به تصویب سازمان ملل متحد رسید و از سال ۱۹۹۰ به مرحله اجرا درآمد، الگو و راهنمای مناسبی برای فعالیت انجمن در زمینه حمایت از حقوق کودکان در ایران است. این پیمان‌نامه در سال ۱۳۷۲ به صورت مشروط به تصویب مجلس شورای اسلامی ایران رسیده است. انجمن از سه دیدگاه به حمایت از حقوق کودکان می‌پردازد:

- ۱- دیدگاه تقنینی: توجه به قوانین مدنی کشور که به نوعی به کودک و زندگی کودک مربوط است. تلاش برای بازنگری به قوانین موجود به نفع کودکان و همچنین ارائه پیشنهاداتی برای افزودن یا تغییر قوانینی در حمایت از کودکان.
- ۲- دیدگاه اجرایی: کوشش برای اجرای همه قوانینی که به نفع کودکان در قانون اساسی و در قانون مدنی کشور وجود دارد و تلاش در راه از بین بردن موانع اجرای درست آنها. زیرا علیرغم وجود بسیاری از قوانین، در مرحله اجرایی کاستی‌هایی دیده می‌شود. مانند قانون مسوئیت کار کردن کودکان، آموزش کودکان و...
- ۳- دیدگاه اجتماعی: آگاهی دادن و آموزش حقوق کودک به خانواده، نهادهای اجتماعی و افرادی که به نوعی با کودکان سر و کار دارند و

گزارشی از وضعیت کودکان خردسال

در کارگاه‌های قالی باقی قم

توی کارگاهند - از کارشان راضی‌اند؟ - نه کتک می‌خورند. به خاطر پول پیشی که به باباهاشون دادند مجبورند بمونند - چقدر پول دادن؟ - هر کدام ۶۰ (هزار تومن) - قبلاً کجا کار می‌کردی؟ - زنجان بودم - ساعت چند تا چند؟ - از ۳ صبح تا ۱۱ - ۱۲ شب - کتک هم می‌خوردی؟ - خیلی می‌زد سرم را می‌شکوند جاش هست - سرت که می‌شکست دکتر هم می‌بردنت؟ - نه - اینجا چقدر کار می‌کنی؟ - از ۶ تا ۶ (صبح تا بعدازظهر). اینجا خیلی راحت‌تره پولش هم از زنجان بیشتره ۱۵۰ (هزار) تومن دادن به بابام.

و این تنها دلخوشی کوچک کودکانی است که شانه‌های ترد و نازک خود را نردبان صعود «بزرگانی» می‌کنند که بونی از انسانیت نبرده‌اند. کودکانی که حتی نمی‌دانند چه کسی باید جوابگوی ظلمی باشد که به آنها روا می‌شود. کدام مرجع می‌خواهد یا می‌تواند «صاحب کار» هائی را که به «صاحب جان» تبدیل شده‌اند مواخذ کند؟

«حاج‌رضا محمدی» رئیس اتحادیه تولیدکنندگان فرش دستباف قم می‌گوید: «این موضوع تازه‌ای نیست. خود من شاهد بوده‌ام که برخی از این کارگاه‌ها تا نیمه‌های شب بچه‌ها را مجبور به کار کردن می‌کنند. اکثر تولیدکنندگان این افراد را از شهرستان به قم می‌آورند و در مکانهائی ساکن می‌کنند و در همان مکان دار قالی نیز به پا می‌کنند یعنی محل کار و زندگی افراد همان جاست». وی افزود: اتحادیه نظارتی بر نحوه اداره این کارگاه‌ها ندارد و مسئولین کارگاه‌ها فقط برای پروانه کار یا گرفتن وام به این اتحادیه مراجعه می‌کنند. در عین حال ما چند سال پیش این مساله را به اداره کار قم گزارش کردیم، اما کسی پیگیری این موضوع ننشود. از صنف ما نیز چند نفر پیگیری موضوع بودند ولی به دلیل این که اداره کلی برای رسیدگی به این موضوع از طرف مسئولین اجرایی - به خصوص اداره کار - وجود نداشت، تلاش‌های ما نیز بی‌نتیجه ماند. و تنها یک تذکر کوچک برای آدم‌های خیلی بزرگ. مسئولین محترم وزارت کار اگر دلشان می‌خواهد جوابگو باشند لطفاً کمی عجله کنند.

گزارش: مه‌نوش پورضیائی به نقل از صبح امروز چهارشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۷۸



پیمان جهانی حقوق کودک

از نظر پیمان جهانی حقوق کودک، همه افراد زیر ۱۸ سال مورد حمایت این پیمان قرار می‌گیرند. (ماده ۱)

کودکان از هر رنگ، نژاد و مذهب که باشند، پیمان جهانی حقوق کودک از آنها حمایت می‌کند. (ماده ۲)

کودکان مانند والدین خود دارای حقوقی هستند. کشورهای عضو پیمان جهانی حقوق کودک متعهد شده‌اند که حقوق کودکان را در همه زمینه‌ها رعایت کنند. (ماده ۲، بند ۲)

کشورهای عضو پیمان جهانی حقوق کودک برای حمایت از کودکان در برابر خشونت‌های جسمی و روانی، هرگونه آزار، بی‌توجهی و سهل‌انگاری باید اقدامات قانونی، اجتماعی و آموزشی لازم را به عمل آورند. (ماده ۱۹، بند ۱)

پدر و مادر اولین کسانی هستند که مسئول رشد و پیشرفت کودک می‌باشند. (ماده ۱۸، بند ۱)

علاوه بر حق فکر و عقیده، کودکان هر مذهب حق دارند تا آزادانه مراسم مذهبی خود را اجرا و باورهای مذهبی خود را بیان کنند. (ماده ۱۴، بند ۱)

هر کودک حق دارد آزادانه فکر خود را به دیگران بگوید، بنویسد و از نظرهای دیگران بهره‌مند شود، به شرط آنکه حقوق دیگران را محترم بشمارد و عقایدش به نظم و سلامت جامعه آسیب نرساند. (ماده ۱۳، بند ۱ و ۲)

همه کودکان حق استفاده از آموزش رایگان ادامه در صفحه ۶



اینجا کودکان خردسال را سالیانه ۲۰ تا ۱۵۰ هزار تومان اجاره می‌کنند!

خبر این است: پشت «وادی السلام» قم هیچ خبری از سلام و سلامتی نیست. ضربات دمام «دفعه» تنها صدای زندگی کودکانی است که به کارگاه‌های قالیبافی قم اجاره داده می‌شوند.

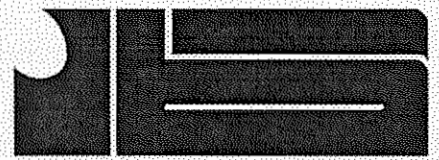
خبر این است: انگار هیچ‌کس نمی‌داند یا نمی‌خواهد که بدانند پیمان‌نامه حقوق کودک، کاغذپاره‌ای است که حتی برای پاک کردن خون خشکیده پشانی صدها کودک قالیباف هم کفایت نمی‌کند.

خبر این است: انگار اخم فقر آنقدر با زندگی روستائیان عجین شده که زخم کودکان قالیباف را از نگاه پدر و مادرشان دور نگه می‌دارد.

خبر این است: البته که هنر نزد ایرانیان است و بس، البته که صادرات قالی بخش عمده‌ای از صادرات غیرنفتی و درآمد‌های ارزی حاصل آن را تشکیل می‌دهد. البته که در سال دو هزار هشتیم و قرن‌ها از عصر برده‌داری گذشته است اما... کسی هست که همین امروز که تنها ۵۰ روز از هزاره سوم گذشته است صدای نفس نفس کودکان ۷ ساله را از لابه‌لای تار و پود فرش‌های زیرپایش بشنود؟ به گفته «عباس زاده» صاحب یکی از کارگاه‌های قالیبافی قم که تنها کارگران بزرگسال را به خدمت گرفته «حدود ۱۶ سال است که کارگاهداران شهر قم به واسطه دلالان روستائی بچه‌های ۷ تا ۱۶ ساله روستائی را - بیشتر از شهرهای شمال یا زنجان و همدان - با قراردادهای سالیانه به مبلغ‌های بسیار پائین - مثلاً سالیانه ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان - از پدر و مادرشان اجاره می‌کنند» و البته که هزینه زندگی این کارگران کوچک در این مدت برعهده کارفرماست و البته که کارفرما

فرم درخواست اشتراک
 اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک: ...
 مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ: ...
 نام:
 نشانی:
 فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا نبر) به آدرس ... بپردازید!

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90
 شماره تلفن: 0049 - 221 - 9322136
 آدرس کار در اینترنت: http://www.fadal.org
 آدرس پست الکترونیکی: fadal.aksariyat@magnet.at
 تک فروشی: معادل ۴ مارک آلمان
 بهای اشتراک: اروپا: شش ماهه ۵۵ مارک، یک ساله ۱۰۲ مارک
 سایر کشورها: شش ماهه ۶۲ مارک، یک ساله ۱۱۵ مارک
 دارنده حساب: i.G.e.v
 شماره حساب: 22 44 20 32
 کد بانک: 37 05 01 98
 نام بانک: StadtsparKasse Köln
 آدرس: i.G.e.v
 Postfach 260268
 50515 Köln
 Germany



چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۳۷۹ - ۳۱ مه ۲۰۰۰ دوره سوم - شماره ۲۳۳
 KAR. No. 233 Wednesday 31. May. 2000
 G 21170 D

«کار» ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 دو هفته یک بار روزهای چهارشنبه منتشر می شود

نامه مسئول هیئت سیاسی - اجرایی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آقای کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل متحد

عربستان و تمایل دو کشور به همکاری، به جای رویارویی به عنوان یک عامل راهگشا و تازه امکانات برای تلاش در راه کمک به پایان جنگ و مصیبت در افغانستان را بیشتر می کند. از سوی دیگر روند تحول اوضاع در ایران نیز در سمت تقویت اعتماد بین المللی و ثبات منطقه حرکت می کند. از این روی ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بر این نظر است که شرایط برای بازگرداندن صلح به افغانستان، بازسازی خرابی های ناشی از جنگ و مداخله خارجی و بالاخره بازگشت میلیون ها پناهنده به کشور با کمک جامعه بین المللی مساعدتر از همیشه است.

آقای دبیرکل از نظر ششمین کنگره سازمان ملل متحد پافشاری ایالات متحده آمریکا و بریتانیا در مورد ادامه تحریم اقتصادی عراق هیچ هدف سیاسی معقولی که در راستای صلح و ثبات منطقه خاورمیانه باشد را دنبال نمی کند. این تحریم فاقد توجیه سیاسی و از لحاظ سوق الجیشی بکلی بی معناست.

پس از این که تحریم اقتصادی عراق به معنای قدرت در ایالات متحده به سرنویست مردم عراق و ابعاد فاجعه ایست که این تحریم بر مردم محروم عراق تحمیل کرده است.

در اینجا تصریح می کنم که دفاع از لغو تحریم اقتصادی عراق به معنای حمایت از رژیم حاکم بر این کشور و یا لغو تحریم تسلیحاتی نیست. رژیم عراق هم در حق ملت خود و هم در حق کشور همسایه، ایران ستم بسیار کرده و از نظر جامعه بین المللی رژیمی سرکوبگر و جنگ افروز است. اما تحریم اقتصادی به بهانه مبارزه با این رژیم حرفی پوچ است که دود آن به چشم مردم عراق و تلاش آنان برای رهایی از چنگال آنست. سازمان ما از شما - به عنوان دبیرکل سازمان ملل متحد - مصرانه تقاضا می کند از هیچ کوشش و ابتکاری برای پایان دادن به تحریم اقتصادی عراق فروگذار نکند. زمان آن فرا رسیده است که با آغاز تلاشی تازه به این فاجعه انسانی خاتمه داده شود.

با احترام
 علی پورقوی
 مسئول هیات سیاسی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
 ۲۷ ماه مه سال ۲۰۰۰ میلادی

در اجرای قطعنامه مصوب ششمین کنگره سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به شما مراجعه می کنم تا نگرانی و تأثر پیرامون مصیبت بزرگی که مردم در دو کشور همسایه ما بدان گرفتارند را با شما در میان نهم. اکنون بیش از دو دهه است که جنگ و پیامدهای آن زندگی مردم افغانستان را ویران کرده و زندگی مردم به شدت فقیر این سرزمین زیبا را به نابودی کشانده است. دولت ایالات متحده آمریکا که طی یک دهه با صرف میلیاردها دلار سرنوشت این کشور را به بازی گرفت، پس از فروپاشی اتحاد شوروی عملاً افغانستان را در کام چنایکارانی که خود پرورده رها کرده و کوچکترین مسئولیتی در جریان بلای که بر سر این ملت آورده است بر عهده نمی گیرد. دولت پاکستان نیز با روی کار آوردن تحریم اقتصادی عراق توسط آن به هیچ وجه با موازین ملل متحد و اصول حقوق بشر سازگار نیست. تساهی زندگی در افغانستان را دوامدار کرده است. روشی که گروه طالبان در زمینه مواد مخدر و صدور تروریسم در پیش گرفته همه کشورهای جهان - به شمول ایالات متحده - را نگران کرده و به ناامنی و بی ثباتی در منطقه دامن می زند.

آقای دبیرکل
 بهبود مناسبات میان ایران و

به ما هم فرصت بدهید

گفتگو با خانم نادین گوردیمر برنده جایزه ادبی نوبل سال ۱۹۹۱ و عضو کنگره ملی آفریقا

برگرفته از روزنامه فرانکفورتر روندشاو فوریه ۲۰۰۰ برگردان: ع. بهار

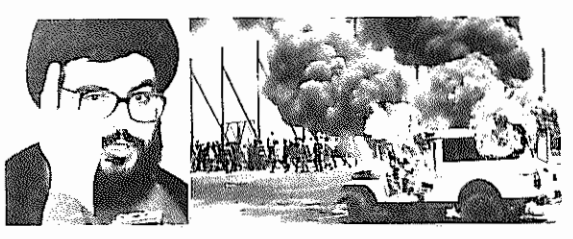


چگونه بود؟
 ● در این رابطه تا آنجائی که می توانست همیشه و همه جا و حتی در خارج اظهار نظر کردم. ناصدقی غرب غیر قابل تصور بود و حالا هم معلوم گشته که همکاری های غرب با حکومت های آپارتاید بیشتر از آن چیزی بود که ما آن زمان از آن اطلاع داشتیم. حتی در آخرین ماه ها و حتی تا چند روز مانده به انتخابات آزاد.
 ○ از نظر شما شلبه بر استعمار بزرگترین دستاورد قرن بیستم می باشد. آیا چنین چیزی واقعا از بین رفته است و یا اینکه تنها نقاب خود را عوض کرده؟ به عنوان مثال از طریق رسانه ها و یا جهانی شدن در عرصه اقتصادی و سیاسی.
 ○ استعمار در عرصه اقتصاد هنوز هم وجود دارد و مطمئناً برای مدتی طولانی وجود خواهد داشت. با این همه از نظر من بسیار مهم است که بعضی از مستعمره ها موفق شده و برای خود قوانین اساسی دموکراتیکی را تهیه دیده اند. ما در حال حاضر چه خوب و یا بد قوانین خودمان را داریم و مسئول سرنوشت خویش هستیم. با این همه بعضی از این کشورها ره به جانی نبردند زیرا که آنها از مشکلات بجا ماندند از دوره استعمار که توسط نواستعمار بیشتر هم شده رنج می برند. به عنوان نمونه در هندوستان و پاکستان و همچنین اسرائیل و فلسطین. ارضه ملو از هستی بر جای مانده از اروپا بر دوش ما سنگینی می کند و نشان دهنده مرحله دیگری از مبارزه برای استقلال می باشد.
 ○ با توجه به کشمکش های قومی مذهبی در روآندا، سودان و یا ایبوی با حاکمان دیکتاتور، فساد و اقتصادی ورشکسته، از نقطه نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آینده چه چیزی را برای آفریقا به ارمغان خواهد آورد؟
 ○ دموکراسی هایی را که اروپا به وجود آورد در عرض چند صد سال تکامل پیدا کردند که در حال حاضر

● سوال: خانم گوردیمر هنگامی که نلسون ماندلا پس از ۲۸ سال از زندان آزاد گردیده و اجازه فعالیت سیاسی یافت چه احساسی به شما دست داد؟
 ● گوردیمر: طبیعتاً از این که مظهر بزرگ آزادی از زندان آزاد گردیده بود خوشحال شدم. اما از نظر من آبارتاید چند ماهی قبل از آن در اکتبر ۱۹۸۹ به آخر خط رسیده بود. در ماه های آخر آن سال اتفاقات زیادی افتادند: دیوار برلین فروپاشید و اینجا هم دیوار آپارتاید فروریخت. و آن تجمع بزرگ در استادیوم فوتبال پس از آزادی والتر زولو، ماندلاز گورو و هفت نفر دیگر از سیاه پوستان. اینها اولین افرادی بودند که در مقابل قید و ممنوعیت فعالیت سیاسی مقاومت کرده و برای آزادی بدون قید و شرط خویش مبارزه نمودند. در این همایش سگ های پلیس، اسلحه و گاز اشک آور حضور نداشتند و فقط پرچم های کنگره ملی آفریقا، حزب کنگره آفریقای جنوبی و سندیکا در باد تکان می خوردند. این لحظه همچنان انگیز و زیبائی بود که با آن آزادی شروع گردید. ○ در همه سال های پیش از آن شما رفتار خون سردانه ای در مقابل سیستم آپارتاید پیشه کردید و در عین حال بزواک وجدانی بودید که سیاست حاکم را محکوم می کرد.
 ● من یکی در میان خیلی های دیگر بودم. در همه جا با نمونده های بساور نکردنی و تکیان دهنده انسان هائی مواجه شدم که زندگی شان نابود شده، در زندان به سر می بردند و برادران، خواهران و همسران شان در تبعید منتظر بودند، انسان هائی که رنج بساور نکردنی را متحمل شده بودند. تعدادی از آنها شناخته شده هستند و صد ها هزار نفر دیگر ناشناس باقی ماندند.
 ○ سفیدپوستان آفریقای جنوبی خود را در صدمان بزرگ دیده می دانستند و بنیادگرایان سفیدپوست «باکی نژاد سفیده» را موعظه می کردند. حاکمیت سفیدپوستان خود را چگونه در زندگی روزمره نشان می داد؟
 ● من در آفریقای جنوبی متولد شدم و به مدرسه های که فقط مخصوص سفیدپوستان بود رفتم. بعد از ظهر شنبه ها به سینما می رفتم که مخصوص سفیدپوستان بود. مثل همه دختران طبقه متوسط به کلاس رقص رفتم. کلاسی که در آن فقط دختران و پسران سفیدپوست اجازه شرکت داشتند و همه اینها باعث تأثر من می شد و از آن جانی که از شش سالگی شروع به خواندن نمودم از کتابخانه محله مان استفاده می کردم و جانی که فقط سفیدپوستان مجاز بودند کتاب بگیرند. بدین ترتیب احساس می کردی که به خاطر رنگ پوست از امتیاز خاصی برخوردار نیستی و خواست خدا چنین بوده است. به عنوان کودک پیرامون چند و چون وضعیت موجود سنوالی مطرح نمی کنی زیرا که ارزش های تصویر شده از طرف پدر و مادر و آموزگار مطلقاً الزامی هستند. اما چنانچه آدمی اندکی ذکاوت و کنجکاوی داشته باشد پس از سپری شدن

اسرائیل جنوب لبنان را ترک کرد

«مقاومت اسلامی» خروج اسرائیل از خاک لبنان را محصول «جنگ و جهاد» خویش دانسته و با شعار «امروز لبنان، فردا فلسطین» نیروهای خود را متوجه مبارزه با دولت خودمختار فلسطین کرده است.
 به گزارش خبرگزاری ها اسرائیل به لبنان و سوریه در جهت تهدید مرزهای خود هشدار داده است و تماس های سیاسی میان دولت لبنان و اسرائیل برای جلوگیری از هر نوع پیامد احتمالی پس از مرحله عقب نشینی اسرائیل، آغاز شده است.
 پس از دو روز، رهبر کاتولیک های جهان با ارسال پیامی برای کاردینال نصرالله صفر، رهبر مذهبی مسیحیان مارونی لبنان، خواستار تلاش همه جانبه برای جلوگیری از هر نوع اقدامی شد که «ممکن است به همزیستی پیروان مذاهب مختلف لطمه بزند».
 خروج اسرائیل از جنوب لبنان در ایران نیز با واکنش های گسترده ای مواجه شد و تبلیغات رسمی آن را محصول مقاومت مسلحانه و جهادی «حزب الله» قلمداد کرد.



شیخ نصرالله رهبر حزب الله لبنان: ما به جنگ ادامه خواهیم داد
 و یک ماه و نیم زودتر از زمان تأیید شده انجام گرفت. بسیاری از رهبران کشورهای جهان با ارسال پیام های تیریکی به «اهد» باراک» نخست وزیر اسرائیل، از خروج سربازان این کشور از جنوب لبنان ابراز رضایت و حمایت کردند و شجاعت نخست وزیر اسرائیل در این جهت را ستودند. دو روز پس از خروج ارتش اسرائیل از جنوب لبنان روزنامه اسرائیلی هارتص خبر داد که محبوبیت باراک نخست وزیر اسرائیل در میان مردم این کشور به شدت افزایش یافت.
 بنا به گزارش ها، در جنوب لبنان مراسم جشن و سرور برپاست و مردم این کشور آزادی سرزمین خود را بعد از بیست و دو سال با شادی استقبال کرده اند. این در شرایطی است که شورای امنیت سازمان ملل متحد

بعد از بیست و دو سال، جنوب لبنان تحت حاکمیت این کشور قرار گرفت نیمه شب چهارشنبه ۲۲ ماه مه، آخرین سرباز اسرائیل نیز جنوب لبنان را ترک کرد و به این گونه حضور ۲۲ ساله ارتش اسرائیل در منطقه جنوب لبنان به پایان رسید. با این اقدام «نوار امنیتی جنوب لبنان» از بین رفت و ارتش وابسته به آن توان کُده که دوشادوش سربازان اسرائیلی از این منطقه دفاع می کرد، از هم پاشید. لحد همراه با خانواده و پنج هزار نفر از سربازانش به شمال اسرائیل پناهنده شدند و سایر افراد ارتش او، خود را به ارتش لبنان تسلیم کردند. عقب نشینی ارتش اسرائیل از جنوب لبنان بر اساس توافق نامه های روند صلح اسرائیل و مطابق قطعنامه ۴۲۵ شورای امنیت سازمان ملل متحد ادامه در صفحه ۱۱